

اصطلاح‌شناسی برخی مفاهیم شبیه به هم درس سوم فلسفه ۲

۱- دکارت، درک مفهوم علیت را «فطری» می‌داند.

منظور از فطری بودن دو چیز است:

الف- مادرزادی بودن، یعنی در ذهن (ذهن در اینجا کل نیروی شناختی انسان است که از ابزار حس و عقل استفاده می‌کند). هر انسانی در بدو تولد این مفهوم وجود دارد.

ب- ماقبل هرگونه ادراک دیگری بودن، چه آن ادراک حسی باشد و چه عقلی.

۲- فلاسفه مسلمان، ادراک اصل علیت را «عقلی» می‌دانند.

منظور از عقلی بودن در اینجا دو چیز است:

الف- بعد از اولین ادراکات حسی درک می‌شود.

ب- توسط ابزار عقل به عنوان نیروی ادراک کلیات و استدلال کردن، درک می‌شود. عقل به این معنا در مقابل ابزار حس است.

۳- تمام فلاسفه مذکور در درس چهارم؛ ادراک علیت را و تمام فلاسفه عقل‌گرا، ادراک سنخیت و وجوب علی و معلولی را «طبیعی» می‌دانند.

منظور از طبیعی بودن دو چیز است:

الف- غیرارادی است.

ب- بدون نیاز به آموزش است.

۴- فلاسفه مسلمان، اصل امتناع اجتماع نقیضین را «بدیهی» می‌دانند.

بدیهی بودن در حوزه قضایا و گزاره‌ها (مثل مورد بالا) یعنی بی‌نیاز از استدلال و اثبات کردن.

بدیهی بودن در حوزه تصورات و مفاهیم یعنی بی‌نیاز از تعریف کردن. بنابراین ادراک مفهوم علیت از نظر دکارت، فطری است اما بدیهی نیست چون آن را تعریف می‌کند.

برای تمام دانش‌آموزان در سراسر ایران، مهدی لاجوردی